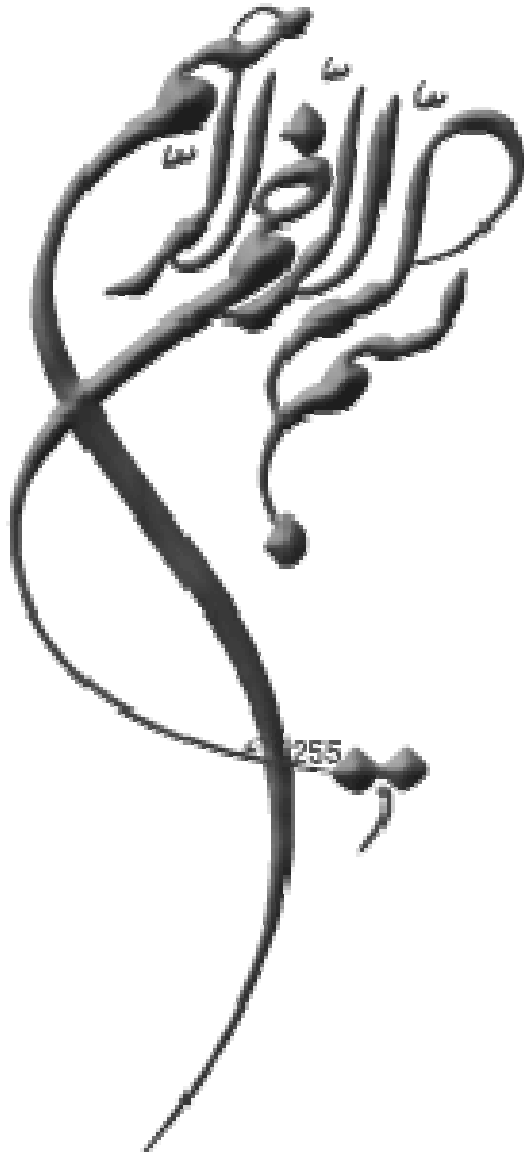


عبادت

تهیه کننده: نسرین اعف

مهر ۱۳۸۸
پایه



فهرست :

- 1..... معنی عبد در لغت.....
- 1..... عبادت راز آفرینش
- 2..... شایستگی خداوند برای عبادت
- 3..... از عبادت او تکبیر نورزید
- 4..... عبادت مامویت انسان
- 5..... منظور از دین چیست ؟.....
- 6..... عبادت و یقین
- 7..... بندگی حقیقی خداوند
- 8..... عبادت مخصوص اوست
- 9..... همه بر او سجده کنیم
- 10..... نفی تکبیر در عبادت
- 11..... غیر خدا را عبادت نکنید
- 12..... تلقی نهج البلاغه از عبادت
- 14..... برخی از احادیث بزرگان در خصوص عبادت
- 17..... منابع

معنی عبد در لغت

برای یافتن پاسخ این سؤال باید روی واژه‌ی «عبد» و «عبودیت» تکیه کرد و به تحلیل آنها پرداخت. «عبد» از نظر لغت عرب به انسانی می‌گویند که سر تا پا تعلق به مولا و صاحب خود دارد، اراده‌اش تابع اراده‌ی او، و خواستش تابع خواست او است. در برابر او مالک چیزی نیست، و در اطاعت او هرگز سستی به خود راه نمی‌دهد. و به تعبیر دیگر «عبودیت» - اظهار آخرین درجه‌ی خضوع در برابر معبود است، و به همین دلیل تنها کسی می‌تواند معبود باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز خدا نیست. بنابراین عبودیت نهایت اوج و تکامل یک انسان و قرب او به خدا است. عبودیت نهایت تسلیم در برابر ذات پاک او است.

عبودیت اطاعت بی‌قید و شرط و فرمانبرداری در تمام زمینه‌هاست و بالأخره عبودیت کامل آن است که انسان جز به معبود واقعی یعنی کمال مطلق نیندیشد جز در راه او گام برندارد، و هر چه غیر او است فراموش کند حتی خویشتن را

عبادت راز آفرینش

قال الله تبارک و تعالی : «و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون» ذاریات/56.

« من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند». از مهمترین سؤالاتی که هر کس از خود می‌کند این است که «ما برای چه آفریده شده‌ایم؟» و «هدف آفرینش انسان‌ها و آمدن به این جهان چیست؟»

آیات فوق به این سؤال مهم و همگانی با تعبیرات فشرده و پرمحتوایی پاسخ می‌گویند و می‌فرماید: «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.»

«و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون»

آیات مورد بحث تنها روی مسأله‌ی عبودیت و بندگی تکیه می‌کند، و با صراحت تمام آن را به عنوان هدف نهایی آفرینش جن و انس معرفی می‌نماید.

هدف اصلی همان «عبودیت» است، و مسالهی «علم و دانش» و «امتحان و آزمایش» اهدافی هستند که در مسیر عبودیت قرار می‌گیرند، و «رحمت و اسعهی خداوند» نتیجه‌ی این عبودیت است. به این ترتیب روشن می‌شود که ما همه برای عبادت پروردگار آفریده شده‌ایم، اما مهم این است که بدانیم حقیقت «عبادت» چیست؟

آیا تنها انجام مراسمی مانند رکوع و سجود و قیام و قعود و نماز و روزه منظور است؟ یا حقیقتی است ماورای اینها؟ هر چند عبادات رسمی نیز همگی واجد اهمیتند.

شایستگی خداوند برای عبادت

«یا ایها الذین امنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون» حج/77.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجود بجا آورید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید تا رستگار شوید.»

ابتداءً آیه خطاب به افراد با ایمان است.

یک سلسله دستورات کلی و جامع را که حافظ دین و دنیا و پیروزی آنها در تمام صحنه‌ها است برای مؤمنین بیان می‌کند.

نخست به چهار دستور مهم اشاره کرده می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید 1- رکوع کنید، 2- سجده بجا آورید، 3- پروردگارتان را عبادت کنید، 4- کار نیک انجام دهید تا رستگار شوید.

بیان دو رکن رکوع و سجود از میان تمام ارکان نماز به خاطر اهمیت فوق‌العاده آنها در این عبادت بزرگ است. دستور عبودیت به طور مطلق که بعد از این دو بیان شده هر گونه عبادت و بندگی خدا را شامل می‌شود.

تعبیر به «ربکم» (پروردگار شما) در حقیقت اشاره‌ای است به شایستگی او برای عبودیت و عدم شایستگی غیر او، زیرا تنها مالک و صاحب و تربیت کننده او است.¹

دستور به فعل خیرات هر گونه کار نیکی را بدون هیچ قید و شرط شامل می شود

عبادت خواسته شده از کسانی که ایمان دارند ، (بحث ناس و بشر نیست ، بحث مومنین است) ، ای بندگان من ،
آنهایی که ایمان دارید ، هی نگویید مشغولم ، گرفتارم ، کار دارم ، محاصره ام ، نمی گذارند کتاب بخوانم ، نمی
گذارند حرف بزنم ، محدودم کرده اند ، جلویم را گرفته اند
یا عباد الذین آمنوا ان ارضی واسعہ فایای فاعبدون /56
« ان ارضی واسعہ » زمین من ، (چرا خدا نگفته ارض تو ، گفته ان ارضی ، ارض من ، زمین من) ، زمینی که
خالق در اختیار دارد و تو روی آن قدم میزنی وسیع است
استاد سیمرغ قاف

از عبادت او تکبر نورزید

«ان الذین عند ربک لایستکبرون عن عبادته و یسبحونه و له یسجدون» اعراف/206.

«آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تواند هیچگاه از عبادتش تکبر نمی‌ورزند و او را تسبیح می‌گویند و برایش سجده می‌کنند.»

این آیه اشاره دارد به این که نه تنها شما باید در همه حال به یاد خدا باشید، فرشتگان مقرب پروردگار و آنها که در مقام قرب نزد پروردگار تواند هیچگاه از عبادت او تکبر نمی‌ورزند و همواره تسبیح او می‌گویند و ذات پاکش را از آنچه شایسته مقام او نیست منزّه می‌شمارند و در پیشگاه او سجده می‌نمایند «ان الذین عند ربک لایستکبرون عن عبادته و یسبحونه و له یسجدون».

¹ نمونه، ج 14، ص 180.

کلمه‌ی «عند ربک» (آنها که نزد پروردگار تواند) به معنی قرب مکانی نیست زیرا خداوند مکانی ندارد بلکه اشاره به قرب مقامی است یعنی آنها با آن همه موقعیت و مقام، باز در بندگی و یاد خدا و سجده و تسبیح کوتاهی ندارند شما هم باید کوتاهی نکنید. به هنگام تلاوت آیه‌ی فوق سجده کردن مستحب است ولی بعضی از اهل تسنن مانند پیروان «ابو حنیفه» آن را واجب می‌شمارند.²

عبادت مأموریت انسان

«و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوة و يؤتوا الزكوة و ذلك دين القيمة»⁴ بینه/4. «در حالی که به آنها دستوری داده نشده بود جز اینکه خدا را پرستش کنند با کمال اخلاص، و از شرک به توحید بازگردند، نماز را برپا دارند، و زکات را ادا کنند، و این است آئین مستقیم و صحیح و پایدار.» «اهل کتاب» و به تبع آنها «مشرکان» را مورد ملامت قرار داده می‌گوید: چرا در این آیین جدید اختلاف کردند، بعضی مؤمن و بعضی کافر شدند «در حالی که در این آیین دستوری به آنها داده نشده است جز اینکه خدا را پرستش کنند، و عبادت او را از عبادت غیر او خالص سازند، و از هر گونه شرک باز گردند و متمایل به توحید شوند. نماز را برپا دارند و زکات را ادا کنند.»

سپس می‌افزاید: «و این است آیین مستقیم و پایدار» (و ذلك دين القيمة).

در این که منظور از «و ما امروا»... در اینجا چیست جمعی گفته‌اند منظور این است که اهل کتاب در آیین خودشان مسالهی توحید و نماز و زکات وجود داشته و اینها مسائلی است ثابت، ولی آنها به دستورات نیز وفادار نمانده‌اند.

دیگر اینکه در آیین اسلام دستوری جز توحید خالص و نماز و زکات و مانند آن نیامده. و اینها اموری هستند شناخته شده چرا از قبول آن سرباز می‌زنند و در پذیرش آن اختلاف می‌کنند.

² نمونه، ج 7، ص 73.

معنی دوم نزدیک‌تر به نظر می‌رسد، زیرا به دنبال آیه‌ی قبل که سخن از اختلاف آنها در پذیرش آیین جدید می‌گفت مناسب همین است که «امروا» ناظر به آیین جدید باشد. از این گذشته معنی اول تنها درباره‌ی اهل کتاب صادق است و مشرکان را شامل نمی‌شود در حالی که معنی دوم همگان را شامل می‌شود.

منظور از دین چیست؟

منظور از «دین» که باید آن را برای خدا خالص کنند به عقیده بعضی از مفسران همان «عبادت» است، و جمله «الا ليعبدوا الله» که قبل از آن ذکر شده نیز همین معنی را تأیید می‌کند. ولی این احتمال وجود دارد که منظور مجموعه دین و شریعت می‌باشد، یعنی آنها مأمور شده بودند که خدا را پرستش کنند و دین و آیین خود را در تمام جهات خالص گردانند این معنی با گستردگی مفهوم «دین» سازگارتر است و جمله‌ی بعد «و ذلك دين القيمة» که دین را به معنی وسیع مطرح کرده همین معنی را تأیید می‌کند. جمله‌ی «وذلك دين القيمة» اشاره به آن است که این اصول یعنی توحید خالص و نماز، توجه به خالق و زکات (توجه به خلق) از اصول ثابت و پا بر جای همه‌ی ادیان است. بلکه می‌توان گفت اینها در متن فطرت آدمی قرار دارد.³

بشری که به مراحل می‌رسد، عبد می‌شود. یعنی از خدا فرمان می‌خواهد محمد آنگاه که عبد شد، آنگاه که عبدگشت، رسول شد، وبالآخرین مقام را که همان عبد بود به او دادند. که عبد رعیت نیست

³ نمونه، ج 27، ص 203 تا 205.

عبادت و یقین

خداوند متعال دستور به پیامبر(ص) می‌دهد که دست از عبادت پروردگارت در تمام عمر بر مدار «و همواره او را بندگی کن تا یقین فرا رسد» «و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین».

معروف و مشهور در میان مفسران این است که منظور از «یقین» در اینجا مرگ است و به این جهت مرگ، یقین نامیده شده که یک امر مسلم است، در هر چیز شک کند در مرگ نمی‌تواند تردید به خود راه دهد. و یا اینکه به هنگام مرگ پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق در برابر چشم آشکار می‌شود و حالت یقین برای او پیدا می‌گردد. در سوره مدثر آیه‌ی (46 - 47) از قول دوزخیان می‌خوانیم:

«و کنا نکذب بیوم الدین حتی أتانا الیقین» «ما همواره روز رستاخیز را تکذیب می‌کردیم تا اینکه یقین (مرگ ما) فرا رسید.»

از اینجا روشن می‌شود که آنچه از بعضی از صوفیه نقل شده که آیه‌ی فوق را دستاویزی برای ترک عبادت قرار داده‌اند و گفته‌اند: «آیه می‌گوید: عبادت کن تا زمانی که یقین فرا رسد، بنابراین بعد از حصول یقین نیازی به عبادت نیست!» گفتار بی‌اساس و بی‌پایه‌ای است، چرا که اولاً: به شهادت بعضی از آیات قرآن که در بالا اشاره کردیم یقین به معنی مرگ است، که هم برای مؤمنان و هم برای دوزخیان، برای همه خواهد بود. ثانیاً: مخاطب به این سخن، پیامبر (صلی الله علیه و آله) است، و مقام یقین پیامبر بر همه محرز است آیا کسی می‌تواند ادعا کند که دارای مقام یقین از نظر ایمان نبوده است.

و ثالثاً: تواریخ متواتر نشان می‌دهد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) تا آخر ساعات عمرش عبادت را ترک نگفت و علی (علیه السلام) در محراب عبادت کشته شد، و همچنین سایر امامان.⁴

⁴ نمونه، ج 11، ص 138.

بندگان حقیقی خدا

«والَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ ان يَعْبُدوها و انابوا الی الله لهم البشری فبشّر عباد» [9]

«کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن آنها است، بنابراین بندگان

مرا بشارت ده.»

در این آیات قرآن سخن از بندگان خاص و حقیقت جوی پروردگار به میان آورده، می‌گوید: «بشارت باد بر کسانی

که از عبادت (طاغوت) اجتناب کردند و به سوی خدا بازگشتند.⁵

(والَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ ان يعبدوها و انابوا الی الله لهم البشری).

با توجه به اینکه «بشری» در اینجا مطلق است همه گونه بشارت بر نعمت‌های الهی اعم از مادی و معنوی را شامل

می‌شود، اما این بشارت وسیع و گسترده مخصوص کسانی است که از پرستش طاغوت اجتناب ورزند، و به سوی

خدا باز آیند که مجموع ایمان و اعمال صالح در همین جمله جمع است.

زیرا «طاغوت» در اصل از ماده‌ی «طغیان» به معنی تعدی و تجاوز از حد و مرز است، و لذا این کلمه بر هر

متجاوز، و هر معبودی جز خدا، مانند شیطان و حکام جبار اطلاق می‌شود (این کلمه در واحد و در جمع هر دو به

کار می‌رود).

بنابراین «اجتناب از طاغوت» با این معنی وسیع و گسترده، دوری از هر گونه شرک و بت‌پرستی و هوا پرستی و

شیطان پرستی و تسلیم در برابر حاکمان جبار و سلطه‌گران ستمکار را فرا می‌گیرد، «انابه الی الله» جامع روح

تقوی و پرهیزگاری و ایمان است، و البته چنین کسانی در خور بشارتند.

این نکته نیز قابل توجه است که عبادت طاغوت تنها به معنی رکوع و سجود نیست، بلکه هر گونه اطاعت را نیز

شامل می‌شود، چنانکه در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: من اطاع جباراً فقد عبده. «کسی که

اطاعت زمامدار ستمگری کند او را پرستش کرده است.»

سپس برای معرفی این بندگان ویژه می‌گوید: «بندگان خاصّ مرا بشارت ده» (فبشّر عباد)⁶

⁵ زم/17.

عبادت مخصوص اوست

« فاعبده و توکل علیه » هود/123.

« او (خدا) را پرستش کن و بر او توکل نما. »

در آیه‌ی فوق دلیل لطیفی بر اختصاص پرستش به خدا بیان شده است، و آن اینکه اگر پرستش به خاطر عظمت و صفات جمال و جلال باشد، این صفات بیش از همه در خدا است، و دیگران در برابر او ناچیزند، بزرگترین نشانه‌ی عظمت. علم نامحدود و قدرت بی‌پایان است که آیه‌ی فوق می‌گوید هر دو مخصوص او است.

و اگر پرستش به خاطر پناه بردن در حل مشکلات به معبود باشد، چنین کاری در مورد کسی شایسته است که از همه‌ی نیازها و احتیاج‌های بندگان و از اسرار غیب و نهان آنها با خبر است و توانائی بر اجابت دعوت و انجام خواسته‌ها دارد، و به همین دلیل توحید صفات. سبب توحید عبادت می‌گردد (دقت کنید).

بعضی از مفسران گفته‌اند که تمام سیر انسان در طریق عبودیت پروردگار در دو جمله در آیه‌ی فوق خلاصه شده: «فاعبده و توکل علیه» چرا که عبادت خواه - عبادت جسمانی باشد مانند عبادات معمولی و یا عبادت روحانی باشد مانند تفکر در عالم آفرینش و نظام اسرار هستی - آغاز این سیر است. و توکل یعنی واگذاری مطلق به خدا و سپردن همه چیز به دست او است.

در تمام این مسیر از آغاز تا انتها توجه به حقیقت توحید صفات، رهروان این راه را یاری می‌دهد، و به تلاش و تکاپو وا می‌دارد.⁸

« از نظر اسلام هر کار خیر و مفیدی اگر با انگیزه پاک خدایی توام باشد عبادت است. لہذا درس خواندن، کار

و کسب کردن، فعالیت اجتماعی کردن اگر لله و فی الله باشد عبادت است.

⁶ «عباد» در اصل «عبادی» بوده، «یاء» حذف شده و کسره به جای آن است.

⁷ نمونه، ج 19، ص 411.

⁸ نمونه، ج 9، ص 288 و 289.

در عین حال، اسلام نیز پاره‌ای تعلیمات دارد که فقط برای انجام مراسم عبادت وضع شده است از قبیل نماز و روزه، و این خود فلسفه‌ای خاص دارد.⁹

اما ... «عبادت» را نباید صرفاً در مورد نماز و روزه و حج و اعمال عبادی فقط خلاصه کرد . البته که اینها هم متبلور ترین و شاخص ترین عمل عبادی هستند . . . مگر نشنیده اید که میگویند حتی خواب یک مومن هم عبادت است ؟ نیت های مومنین و افکارشان حتی ، برای خدا مهم است ... مفهوم «عبادت» را اگر برای مومنین بدرستی بشکافید و بازش کنید و تحلیل نمایید که بدانند چه مسائلی را شامل میشود ، آنگاه مثل روز خواهند دید که عبادت شامل تمامی لحظه های زندگی فرد می تواند باشد . حال تا چه حد یک عبد، تمامی لحظه هایش را بتواند خدایی کند ، این دیگر با مجری عبادت یا بعبارتی بسته به ایمان و عمل صالح یک مجری است که همان (عبد) است .

استاد سیمرغ قاف

همه بر او سجده کنیم

« فاسجدوا لله و اعبدوا » نجم/62.

«برای خدا سجده کنید و او را پرستش نمائید.»

اگر می‌خواهید در صراط مستقیم حق گام بردارید تنها برای او که تمام خطوط عالم هستی به ذات پاکش منتهی می‌گردد سجده کنید، و اگر می‌خواهید به سرنوشت دردناک اقوام پیشین که بر اثر شرک و کفر و ظلم و ستم در چنگال عذاب الهی گرفتار شدند گرفتار نشوید تنها او را عبادت کنید.

⁹ استاد مطهری

جالب توجه اینکه در روایات زیادی نقل شده است که وقتی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگام تلاوت این سوره به این آیه رسید همه‌ی مؤمنان و کافرانی که آن را شنیدند به سجده افتادند، طبق روایتی تنها کسی که سجده نکرد «ولید بن مغیره» بود که (شاید نمی‌توانست برای سجده کردن خم شود) کفی از خاک برداشت و پیشانی را بر آن گذاشت و اینگونه سجده کرد!

نفی تکبر در عبادت

«و له من فی السموات و الارض و من عنده لایستکبرون عن عبادته ولا یستحسرون - یسبحون اللیل و النهار لایفترون» انبیاء/19.

«و برای اوست آنچه در آسمان‌ها و زمین است، و آنها که نزد او هستند هیچگاه از عبادتش استکبار نمی‌کنند و هرگز خسته نمی‌شوند. - شب و روز تسبیح می‌گویند و ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهند.»

و از آنجا که ممکن است این توهم به وجود آید که خدا چه نیازی به ایمان و عبادت ما دارد؟ آیات مورد بحث نخست به پاسخ این می‌پردازد و می‌گوید: «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از آن اویند» (و له من فی السموات و الارض)

«و فرشتگانی که در محضر قرب پروردگار هستند هیچگاه از پرستش او تکبر ندارند و هرگز خسته نمی‌شوند.» (و من عنده لایستکبرون عن عبادته ولا یستحسرون)¹⁰

«دائماً شب و روز تسبیح می‌گویند و کمترین ضعف و سستی به خود راه نمی‌دهند.» (یسبحون اللیل و النهار لایفترون).

با این حال او چه نیازی به طاعت و عبادت شما دارد، این همه فرشتگان بزرگ، شب و روز مشغول تسبیحند، او

¹⁰ «یستحسرون» از ماده‌ی «حسر» در اصل به معنی باز گشودن چیز پوشیده و کنار زدن پرده است، سپس به معنی خستگی و ضعف به کار رفته گویی نیروهای انسان در چنین حالتی همگی آشکار و مصرف می‌گردد و چیزی از آنها در بدن او مکتوم نمی‌ماند.

حتی نیاز به عبادت آنها هم ندارد، پس اگر دستور ایمان و عمل صالح و بندگی و عبودیت به شما داده، سود و فایده‌اش متوجه خود شما است.

در نظام عبودیت «خلق» و «خالق» هر قدر فرشتگان و اولیای خدا به او نزدیک‌تر می‌شوند، مقام عبودیت‌شان بیشتر می‌گردد.

عبادت نیاز انسانهاست . انسانها نیاز دارند که کسی را بیپرستند و بهتر است بگیم عبادت کنند . این نیاز را نمی‌شود از آنها گرفت

عبد . یک مقام است مثل : صبر . اگر دیدید انسانی صبور است ؛ حتما دارای مقام صبر است عبد بالاترین مقام است بزرگترین مقام که به یک بشر میشه داد ، مقام عبد و بندگی خداست . اشهد ان محمد عبده و رسوله
استاد سیمرغ قاف

غیر خدا را عبادت نکنید

«قل افغیرَ اللّٰهِ تامرونی اعبداً ایّها الجاهلون» زمر/64.

« آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را عبادت کنم ای جاهلان.»

توحید در عبادت یک حقیقت غیر قابل انکار است تا آنجا که هیچ انسان فهمیده و عاقلی نباید به خود اجازه دهد که در برابر بتها سجده کند. لذا به دنبال آن با لحنی قاطع و تشدیدآمیز می‌گوید: «بگو: آیا به من دستور می‌دهید که غیر خدا را عبادت کنم ای جاهلان.»¹¹

«و اعبدوه و اشکروا» عنکبوت/17.

«او را پرستش کنید و شکر او را به جای آورید.»

¹¹ نمونه، ج 19، ص 524.

یکی از انگیزه‌های عبادت، حس شکرگذاری است در مقابل منعم حقیقی، شما می‌دانید منعم حقیقی خدا است پس شکر و عبادت نیز مخصوص ذات پاک خدا است.¹²

تلقی نهج البلاغه از عبادت

تلقی نهج البلاغه از عبادت چگونه است؟ تلقی نهج البلاغه از عبادت تلقی عارفانه است. بلکه سر چشمه و الهام بخش تلقیهای عارفانه از عبادتها در جهان اسلام، پس از قرآن مجید و سنت رسول اکرم کلمات علی و عبادتهای عارفانه علی است.

چنانکه می‌دانیم یکی از وجهه‌های عالی و دور پرواز ادبیات اسلامی (چه در عربی و چه در فارسی) وجهه روابط عابدانه و عاشقانه انسان است با ذات احدیت. اندیشه‌های نازک و ظریفی به عنوان خطابه، دعا، تمثیل، کنایه، به صورت نثر یا نظم در این زمینه به وجود آمده است که راستی تحسین آمیز و اعجاب‌انگیز است.

ان قوما عبدوا الله رغبة فتلك عبادة التجار، و ان قوما عبدوا الله رهبة فتلك عبادة العبيد، و ان قوما عبدوا الله شكرا فتلك عبادة الاحرار.¹³

همانا گروهی خدای را به انگیزه پاداش می‌پرستند، این عبادت تجارت پیشگان است، و گروهی او را از ترس می‌پرستند، این عبادت عبادت برده صفتان است، و گروهی او را برای آنکه او را سپاسگزاری کرده باشند می‌پرستند، این عبادت آزادگان است.

لو لم يتوعد الله على معصيته لكان يجب ان لا يعصى شكرا لنعمه.¹⁴

فرضا خداوند کیفری برای نافرمانی معین نکرده بود، سپاسگزاری ایجاب می‌کرد که فرمانش تمرد نشود.

از کلمات آن حضرت است:

الهي ما عبدتك خوفا من نارك و لا طمعا في جنتك بل وجدتك اهلا للعبادة فعبدتك.¹⁵

¹² نمونه، ج 16، ص 233.

¹³ نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت 229

¹⁴ نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت 282.

¹⁵ بحار الانوار، ج 41، ب 101/ص 14، با اندکی اختلاف.

من تو را به خاطر بیم از کیفیت و یا به خاطر طمع در بهشت پرستش نکرده‌ام، من تو را بدان جهت پرستش کردم که شایسته پرستش یافتم.

ذکر خدا و یاد خدا که هدف عبادت است، دل را جلا می‌دهد و صفا می‌بخشد و آن را آماده تجلیات الهی قرار می‌دهد. علی در باره یاد حق که روح عبادت است چنین می‌فرماید:

ان الله سبحانه و تعالی جعل الذكر جلاء للقلوب، تسمع به بعد الوقرة و تبصر به بعد العشوة و تنقاد به بعد المعاندة و ما برح لله عزت الاؤه في البرهة بعد البرهة و في ازمان الفترات عباد ناجاهم في فكرهم و كلمهم في ذات عقولهم.¹⁶

خداوند یاد خود را صیقل دلها قرار داده است. دلها بدین وسیله از پس کری شنوا و از پس نابینایی بینا و از پس سرکشی و عناد رام می‌گردند. همواره چنین بوده و هست که خداوند متعال در هر برهه‌ای از زمان و در زمانهایی که پیامبری در میان مردم نبوده است، بندگانی داشته و دارد که در سر ضمیر آنها با آنها راز می‌گوید و از راه عقلهایشان با آنان تکلم می‌کند.

در خطبه 234 پس از اشاره به پاره‌ای از اخلاق رذیله از قبیل سرکشی، ظلم، کبر، می‌فرماید:

و عن ذلك ما حرس الله عباده المؤمنين بالصلوات و الزکوات و مجاهدة الصيام في الايام المفروضات تسکینا لاطرافهم و تخشيعا لابصارهم و تذليلا لنفوسهم و تخفيضا لقلوبهم و اذهابا للخيلاء عنهم.

چون بشر در معرض این آفات اخلاقی و بیماریهای روانی است، خداوند به وسیله نمازها و زکاتها و روزه‌ها بندگان مؤمن خود را از این آفات حراست و نگهبانی کرد. این عبادات دستها و پاها را از گناه باز می‌دارند، چشمها را از خیرگی باز داشته به آنها خشوع می‌بخشند، نفوس را رام می‌گردانند، دلها را متواضع می‌نمایند و باد دماغ را زایل می‌سازند.

¹⁶ خطبه 213.

برخی از احادیث بزرگان در خصوص عبادت :

- قال رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - : أفضل النَّاس من عشق العبادَةَ فعانقها، و أحبَّها بقلبه، و با شرها بجسده، و تفرَّغ لها، فهو لايبالي على ما أصبح من الدُّنيا على عسر أم على يسر.¹⁷

پیامبر خدا - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - : برترین مردم کسی است که عاشق عبادت شود؛ پس، دست در گردن آن آویزد و از صمیم دل دوستش بدارد و با پیکر خود با آن در آمیزد و خویشتن را وقف آن گرداند؛ و او را باکی نباشد که دنیایش به سختی گذرد یا به آسانی.

- قال رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - : كفى بالعبادة شغلا.¹⁸
بهترین کار و سر گرمی عبادت است.

- قال رسول الله صلى الله عليه و آله: يقول ربكم: يا بن آدم! تفرَّغ لعبادتي أَمْلاً قلبك غِنياً و أَمْلاً يدريك رزقا. يا بن آدم! لا تباعد منِّي فأَمْلاً قلبك فقرا و أَمْلاً يدريك شغلا.¹⁹

پیامبر خدا - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - : پروردگارتان می فرماید: ای فرزند آدم! خود را برای عبادت من فارغ گردان تا دلت را پر از بی نیازی کنم و دستانت را آکنده از روزی سازم. ای فرزند آدم! از من دوری مکن، که دلت را از فقر انباشته می کنم و دستانت را از گرفتاری می آکنم.

- قال رسول الله - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - : تفرَّغوا لطاعة الله و عبادته قبل أن ينزل بكم من البلاء ما يشغلکم عن العبادَةِ.²⁰

پیامبر خدا - صَلَّى الله عليه و آله و سلم - : خود را برای طاعت خدا و عبادت او فارغ سازید، پیش از آن که گرفتاری و بلایی به شما رسد که از عبادت بازتان دارد.

- قال الامام علي عليه السلام - : فاتقوا الله الذي نفعكم بموعظته، و وعظكم برسالته، و امتنَّ عليكم بنعمته، فعبدوا أنفسكم لعبادته، و اخرجوا اليه من حقّ طاعته²¹

¹⁷ الكافي: 2 / 83 / 2 و ح 3.

¹⁸ تحف العقول: 35.

¹⁹ كنز العمال: 43614.

²⁰ تنبيه الخواطر: 2 / 120.

- امام علی - علیه السلام - : پس بترسید از خدایی که با پند خویش به شما سود رسانده و با رسالتش (که از طریق پیامبران به شما ابلاغ کرده) شما را اندرز داده و با نعمت هایش بر شما منت نهاده است. بنابراین، جانهای خود را برای عبادت او رام سازید و حق طاعتش را به جای آورید.

- قال الامام علی علیه السلام -: العبادۃ فوز.²²
عبادت، رستگاری است.

- قال الامام علی علیه السلام: فضیلة السادة حسن العبادۃ.
برتری بزرگان (به) نیکویی عبادت است.
عنه - علیه السلام - : اذا أحبّ الله عبداً ألهمه حسن العبادۃ.
هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، نیکویی عبادت را در دل او می‌افکند.

- قال الامام علی علیه السلام - : دوام العبادۃ برهان الظفر بالسعادة.
استمرار عبادت، دلیل دستیابی به سعادت است.

- قال الامام علی علیه السلام - : فی الانفراد لعبادۃ الله كنوز الأرباح.
در خلوت عبادت خدا، گنج‌های سود است.

- قال الامام علی علیه السلام - : ما تقرب متقرب بمثل عبادۃ الله.
هیچ تقرب جوینده‌ای، به چیزی چون عبادت خدا، به او نزدیک نشد.

²¹ نهج البلاغه، الخطبة 198.

²² غرر الحکم: 65، 6559، 4066، 5147، 6504، 9490.

عبادت = بندگی، به معنایی که ما از بنده و برده در ذهن داریم نیست.

البته، این ایرادی است که چون شفاف سازی در این مورد کمتر شده از مومنین و مسلمین می گیرند که

چرا خدای عادل و مهربان، بنده آورده است. و از طرفی برده داری و بندگی را منع میکند.

خالق ما نظامش، نظام ارباب و رعیتی نیست.

عبد = به معنای فرمانخواه است - نه یک فرمانبر.

رعیت = فرمان می برد // اما عبد = فرمان می خواهد.

مثال اینکه: خداوند بتو نمیگوید: بیا و این قله کوه تعالی را حتماً فتح کن و این نقشه ای که از صعود

بتو میدهم را حتماً اجرا کن. و خواست تو هم این وسط صفر است.

اما میفرماید: اگر میخواهی این قله رفیع را فتح کنی! حتماً باید دارای نقشه راه باشی.

در اینصورت نیاز به یک فرمانده داری....

پس یک مومن مشتاق به حرکت در مسیر کمال، بخوبی میداند که بدون نقشه، پیمودن راه و مسیر برایش

بسیار دشوار است. پس با این شناخت، نقشه و فرمان را از خالقش طلب میکند.

عبد، از خالق خویش فرمان میخواهد، چون آماده حرکت است.

منابع :

- 1- قرآن کریم
- 2- نهج البلاغه
- 3- تفسیر نمونه
- 4- فرهنگ لغت
- 5- استاد مطهری
- 6- بحار الانوار
- 7- کافی
- 8- تحف العقول
- 9- کنز العمال
- 10- تنبیه الخواطر
- 11- غرر الحکم
- 12- کلوب عرفان اصیل الہی
- 13- اینترنت